

20 دى 1402
Անի Հարթաթերթ
مجله ادبی آنی

وب سایت: <http://aniletters.com>

شماره سی و پنجم

در این شماره خواهید خواند:

- چه کلامی در تاریخ زین ادبیات ماندگار است؟
- «جلال الممالک» و «فخرالشعرا»، لقب کدام شاعر است؟
- وضعیت شعر جوان کشور به نظر شما چگونه است؟ (دکتر عباس اقبال مهران)

Կոլյա Տեր Հովհաննիսյան
Գարեգին Նժդեհ



فهرست



| | |
|--------------------------|-------|
| مقدمه..... | ۷-۱۳ |
| بزرگان شعر..... | ۱۴-۱۸ |
| ادبیات جهان..... | ۲۱ |
| ادبیت ارمنی..... | ۲۲ |
| ادبیات ایران..... | ۲۳ |
| شعر شاعران..... | ۲۸-۲۵ |
| مکایتها..... | ۳۰ |
| تبلیغات..... | ۴-۶ |
| موسیقی..... | ۳۲-۳۳ |
| بهداشت دهان و دندان..... | ۳۵ |
| مصاحبه..... | ۳۷-۳۹ |

Sevan lake and Dilijan

Sevan lake and Dilijan

طراح وبسایت: داوود محمد کیا
@esher.official



دسته بندی موضوعی: ادبیات
دوره انتشار: هفته نامه
مدیر مسئول: آنیتا-آرزو مانیان
شماره: سی و چهارم

پست الکترونیکی:

www.ani.arzoomanian@yahoo.com

تلگرام:

t.me/anisettes

اینستاگرام:

[@ani_arzoomanian](https://www.instagram.com/ani_arzoomanian)

وب سایت:

www.aniletters.com

www.anipoetry.ir

آلبرت آرتاکس یانس

قلم زنی دستی سبک تبریزی روی فلزات گرانبها
سافت و تعمیر انواع ظروف و زیور آلات
جهت سفارش با شماره تلفن زیر تماس حاصل
فرمایید.

۰۹۱۹۰۲۶۶۵۵۲

قلم زنی و نقره سازی ادوارد

سافت انواع منسوجات نقره
جهت سفارش با شماره تلفن های زیر
تماس حاصل فرمایید.

۶۶۷۱۰۰۳۹

۰۹۱۹۵۰۸۸۵۳۶



ادوین آرزومانیان

فرید، فروش و تعمیرات تخصصی
لپ تاپ و قطعات.
شماره تماس:

۰۹۱۰۱۴۴۹۹۶۶

دکتر بهزاد هوشمند

متخصص و جراح بیماری های لته
و ایمپلنت

22019366

22019073

- پلاتو فیزیکیال تئاتر اریال یوگا و نمایش
- استودیوی ضبط موسیقی و آهنگسازی
- مجهز به فضای باز مجزا

مصدوده کریمخان
تلفن تماس:

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

جناب آقای علی دماوندی



[@mirela__art](https://www.instagram.com/mirela__art)

تجربه حس خوب با اریال یوگا

| | |
|---------------------------------|----------------------------------|
| افزایش انعطاف پذیری بدن | کالری سوزی بین ۲۰۰ تا ۱۰۰۰ کالری |
| تسکین فشارهای مفصل و ستون فقرات | از بین بردن گرفتگی عضلات |
| افزایش حس حضور در محیط | تقویت عضلات شکم، پهلو و کمر |
| افزایش تعادل | آزاد کردن اندورفین |

Let's relax with
MIRELA
کریم خان

۰۹۳۶۹۲۷۵۲۲۸

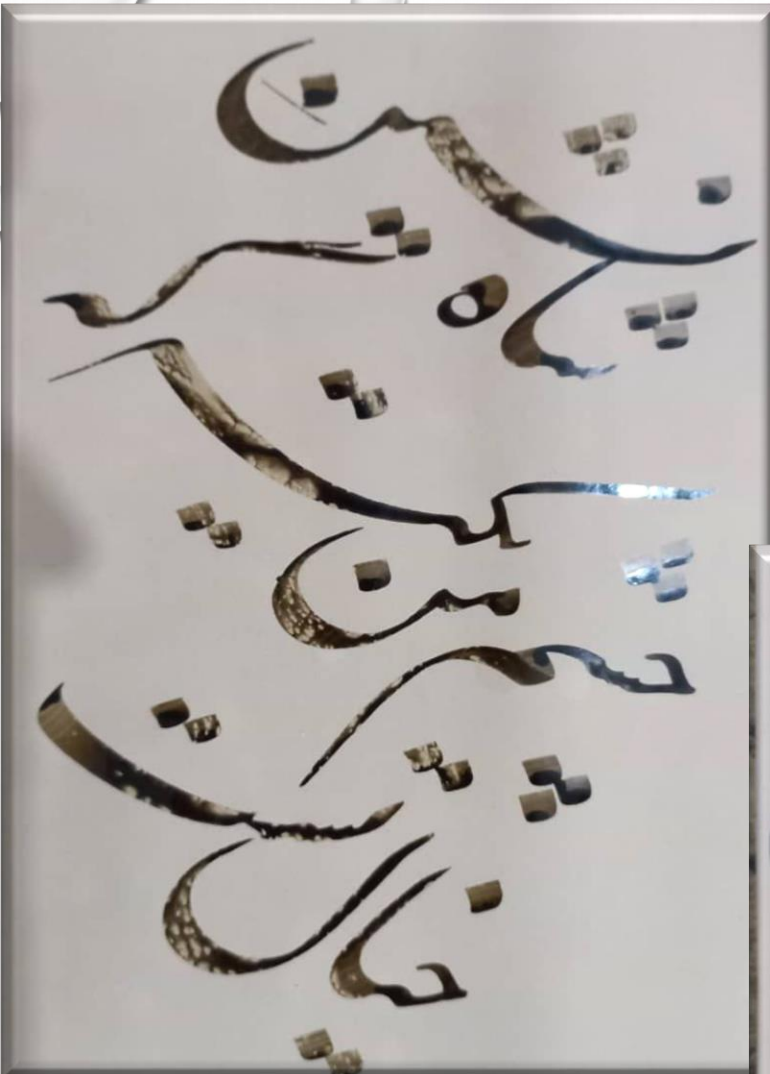
mirela__art

مدرس انجمن خوشنویسان ایران

قطاب: علی ملک



[Ali.malek.art](https://www.instagram.com/Ali.malek.art)



چه کلامی در تاریخ زرین ادبیات ماندگار است؟ نویسنده: دکتر عباس اقبال مهران



فارسی، نه تنها شعر و شاعرانش هیچ‌گاه در خدمت حکمرانان، ظالمان، ستم‌گران نبودند که در خدمت مردم ستم‌دیده، آزاده، مظلوم، حق و حق‌پرستی بوده است.

«گوته» شاعر پُرآوازه‌ی اروپا و جهان که بدون شک تاریخ ادبیات جهان نظیرش را به خود ندیده در حالی که کوله‌باری از تجربه شعر، هنر، موسیقی و علم و... باخود به همراه دارد چنان به ستایش زبان فارسی و شعر حافظ می‌پردازد که آدمی در شگفت می‌ماند که شاعری با آن همه شهرت و بلندنامی آن هم با فرسنگ‌ها فاصله چگونه این چنین بی‌پروا به تحسین از شعر و زبان ملتی دیگر می‌پردازد.

وی که گویی تمام کلمات و سخنان را برای توصیف زیبایی زبان و شعر حافظ ناقص و نارسا می‌بیند سرانجام می‌گوید: «حافظا! خویشتن را با تو برابر نهادن نشان دیوانگی است»

تأثیر و الهام از او را در دیوان غربی - شرقی‌اش به وضوح می‌توان دید. او در این شعر و زبان چه دید که بدین‌سان احساس سبک بالی و آسودگی می‌کند. نه تنها او که آلمان‌ها نیز به خاطر عشق به حافظ در شهر وایمار (Weimar آرام‌گاهی نمادین در کنار گوته برایش بنا کردند! نه حافظ که دیگر شعرای ایرانی چون خیام و مولانا را چنان می‌شناسند که می‌گویند هیچ کتابخانه معتبری در آلمان نمی‌یابی که دیوانشان را نبینی،

آناماریا شیمل که از برجسته‌ترین شرق‌شناسان دنیای غرب است می‌گوید: «تمام افتخارم این است که فارسی را خوب می‌فهمم و به مولاناشناسی عمر گذراندم و کم کسانی نیستند و نبودند چنین ستایش‌گرانی، از زبان فارسی که مجال نام بردن آن‌ها نیست و اما همگان می‌دانند و دیده‌اند که سازمان ملل به پاس و نکوداشت افکار بلند مولانا و تأثیرگذاریش بر جهان بشریت، سال ۲۰۰۷ را به نام او نام‌گذاری کردند.»

(شاید سعدی و امثال او اگر در کشور دیگری آرمیده بودند یونسکو همین کار را می‌کرد.) این مهم باعث شد که جهانیان مولانا را بهتر بشناسند تا جایی که چاپ اشعارش در آمریکا در زمره‌ی پرفروش‌ترین کتاب‌های سال شود و به گفته‌ی خودشان فروش کتاب رومی چون خودش شگفت‌انگیز است و حیرت‌آور!

البته شعرای پارسی‌گوی هر کدام به نوبه‌ی خود مقام و شأنی کم‌تر از مولانا، حافظ، فردوسی و سعدی ندارند. چرا که هر کدام از زاویه‌ای به زندگی نگریسته و شاید به خاطر همین هم هست که شعر فارسی چند وجهی و چند بُعدی است و یکی از توان‌گری‌های زبان فارسی همین است که هر کسی هر چه بخواهد از آن می‌یابد. اگر حافظ با شعرهایش کاخی به زیبایی تمام وسعت جهان بنا می‌کند، شعر مولانا چون سیل بنیان‌کنی است که همه چیز را با خود می‌برد و جز ویران‌گری چیزی نمی‌شناسد و خواننده را در اقیانوس بی‌کران خود می‌بلعد مگر می‌شود شعرش را خواند و شوریده‌حال نگشت. در همان حال می‌بینی فردوسی آن مرد فرهیخته و فرزانه‌ی نیک‌اندیش افتخار ایرانیان و مشرق‌زمین با اندیشه‌های بلند خود و حماسه‌سرایی‌های بی‌نظیرش اعتبار و اعتماد به نفس را به ایرانیان برگرداند بی‌آن‌که کوچک‌ترین بی‌حرمتی به قومی یا ملیتی روا دارد،

هر نفسی که فرو می‌رود ممد حیات است
و چون برمی‌آید مفرح ذات پس در هر
نفسی.... و کیست هم‌چون او که انسانی‌ترین
شعرهای عالم را بسراید و کدام سازمان
بشردوست است که از نوشتن شعر و کلامش بر
سردرش افتخار نورزد.

بنی آدم اعضای یک‌دیگرند
که در فرینش زیک گوهرند

چو عضوی.....

فارسی، نه تنها شعر و شاعرانش هیچ‌گاه
در خدمت حکمرانان، ظالمان، ستم‌گران نبودند
که در خدمت مردم ستم‌دیده، آزاده، مظلوم،
حق و حق‌پرستی بوده و همواره با حاکمان و
ظالمان درستیز بود چه کسی می‌تواند شعر
ناصر خسرو را بخواند و آزادی و آزاداندیشی
را پیشه‌ی خویش نگرداند.

سخن به گزاف گوید و یا پا را از دایره‌ی ادب
و احترام فراتر نهد، برعکس خرد و
خردورزی و عشق به انسان و انسانیت و
ستایش از پروردگار یزدان در اشعار و
افکارش موج می‌زند و نامش ناخودآگاه افکار
ما را به سوی نیک‌اندیشی، آزادی و
فرزانی رهنمون می‌کند و خرد را به مثابه
نوری بی‌پایان در ظلمت جهالت و نادانی
می‌داند.

به نام خداوند جان و خرد کز این برتر
اندیشه بر نگذرد

شیخ اجل، مردی که همواره جلوتر از زمان
حرکت می‌کند. یعنی سعدی بلندمرتبه را
می‌بینیم که بوستانی همیشه سرسبز و
گلستانی به جاودانگی روزگار به یادگار
گذاشت.

چه کسی چون او در وصف جهان هستی
می‌تواند سخن به زبان براند که ذره‌ذره عالم
وجود را تجلی‌گاه پروردگار قادر متعال
می‌داند.

من آن هم که در پای خوکان نریزم مر این
قیمتی در لفظ دری را
کیست که از عطار، نظامی گنجوی و... بخواند
و دیدگاهش به جهان هستی عوض نگردهد.
مهندس کسی جوید از رازشان نداند که
چون کردی آغازشان

چنان برکشیدی و بستی نگار که از آن به
خرد نیارد در شمار
خود پیدا است که شاعران پارسی‌گوی
هرکدام به نوبه‌ی خود وجهی از زندگی را
توصیف می‌کنند که البته پرداختن به هریک
از آنها و شعر آنها از دایره‌ی قدرت ما خارج
است.

راستی اگر چیرگی مهارت و ظرافت زبان
فارسی نبود چگونه کلام و اندیشه‌ی این
بزرگان می‌توانست در دل و جان این‌چنین
رخنه کند.

همگان نیک می‌دانند کلامی قوی مگر از طریق
زبانی فصیح و بلیغ جاری و ساری گردد که بر دل و
جان بنشیند.

مولانا، حافظ، سعدی، رودکی و... بدون زبان پارسی
هیچ جایگاهی نخواهند داشت و چون تنی به سر
خواهد بود.

این زبان سحرانگیز و توانا باعث گردید که شعر و
اندیشه‌ی آنها هیچ‌گاه در دایره‌ی زمان و مکان
محصور نگردد و این شعر و زبان فارسی است که نه
زمان دارد و نه مکان و همواره پیش‌رو زمان.

اما باید پرسیده‌اید که چرا زبان فارسی برخلاف
زبان‌های دیگر به هر جامعه یا کشوری که رسید نه
تنها زبانی بیگانه محسوب نمی‌شد بلکه مردمان آن
دیار یاد گرفتن و دانستنش را بر خود فرض
می‌کردند و افتخار. چرا از شبهه‌قاره‌ی هند تا
مرزهای روم شرقی از ماورالنهر تا بین‌النهرین
مردمان، پارسی را نیک می‌دانستند و پاس
می‌داشتند و در شبهه‌قاره‌ی هند پارسی‌گویان خود
همیشه از فرهیختگان بودند.

حتی باید پرسید چرا اقوام وحشی همچون مغول که از ورای ماورالنهر به این سرزمین تاختند بعد از مدتی چنان در زبان و فرهنگ پارسیان ذوب گشتند که خود ستایش‌گر آن شدند، زبان و فرهنگ خود را به دست فراموشی سپردند و ناگزیرند به شناخت این زبان و فرهنگ و بدون آن، بخش بزرگی از شناسنامه‌ی ایشان مفقود است. در دنیای پیش‌رفته و متمدن امروزی بزرگ‌ترین افتخار ترکیه آن است که مولانا آن شاعر پارسی‌گوی و شیرین‌سخن ایرانیان در کشورشان آرمیده است و به خاطر آن، چه مراسم‌ها که برپا نمی‌کنند و چه فخرها که به جهانیان نمی‌فروشند. اما چرا چنین است، آیا این‌ها دلیلی بر افسون‌گری، دل‌ربایی، ظرفیت‌ها و ظرافت‌ها، اندیشه و آرمان‌های بلند زبان پارسیان نبوده؟ آیا این زبان آن‌قدر ارزش دارد که آرام‌گاهی ولو نمادین برای شاعرانش افتخار دیگر ملت‌ها باشد و به خاطرش چنین به خود ببالند؟ اما سؤال دیگری را باید مطرح کرد که تفاوت عمده زبان پارسی که مرزها را درنوردید، با دیگر زبان‌های دنیا در چه بوده و هست؟

بدون شک یکی از برجستگی‌ها و عمده تفاوت فاحش زبان فارسی با دیگر زبان‌ها در آن است که زبان پارسی هیچ‌گاه، در هیچ برهه‌ای از زمان، در هیچ مکانی، زمانی به‌عنوان زبانی استعمارگر، بیگانه محسوب نگشت و هیچ نقطه‌ی تاریکی در کلام، شعرو تاریخش ندارد و نیز مبراز اندیشه‌های استعماری و استثمارگری است.

در هیچ سخنش به هیچ ملتی، گروهی، انسانی به دیده‌ی حقارت نگریست و اهانتی نکرد در زبانش چیزی جز یکتاپرستی و عشق به معبود را نمی‌ستاید. قبل از آن‌که از حقوق بشر، آزادی، رفع تبعیض سخنی به‌میان آید این زبان پارسی (و پارسیان) بود که شعرشان سراسر دم از آزادی، آزادگی، انسانیت، عدالت و رهایی از تمامی قید و بندهای ساخته‌ی بشر می‌زد و شاید به همین خاطر است که در سرزمین ما در هیچ برهه‌ای از زمان نمی‌یابی که برده‌داری، دوگانه‌پرستی و....

رواج داشته باشد و برعکس چه شعرها و سخن‌ها در باب حرمت و کرامت انسان‌ها که نرفت چه قانون‌ها که در صیانت از آزادی انسان‌ها نگاشته نگشت که هر آدمی می‌تواند با دست کشیدن به سنگ‌نبشته‌های هگمتانه و تخت‌جمشید آن را دریابد و شواهد هنوز حی و حاضر حتی بردشت‌ها و کوه‌های این سرزمین کهن هویدا است.

شاید هیچ زبانی چون زبان فارسی به نکوهش از اسارت و بندگی، جهل و نادانی و تعصبات قومی نپرداخت و آن‌چه را قابل ستایش می‌داند اندیشه و خرد آدمی است و دیگر تعلقات در نگاهش ناچیز است و حقیر. ای برادر تو همه اندیشه‌ای مابقی استخوان و ریشه‌ای

کدام زبان است که چون زبان فارسی تمام انسان‌ها را به مثابه یک پیکر واحد برمی‌شمارد و هر گونه تبعیض و برتری‌جویی را برنمی‌تابد و همه خلق را این چنین محترم می‌دارد:

¹²

خلق همه یک سره نهال خدایند تو از این نهان نه بشکن و نه برکن و شاید از دیگر علی که زبان فارسی همیشه زبان توده‌ی مردم بوده و فراگیر گشته و همه آن را با جان و دل می‌پذیرفتند این بوده که فارسی نه تنها عامل تفرقه، فساد، نزاع و اهانت و تحقیر نبوده که خود عامل اتحاد گروه‌ها، توده‌های مردم و ملل بوده و هست. زبان و فرهنگی که نام پارسی به خود گرفته هم‌چون حلقه‌های زنجیر، مردمان گذشته‌های دور این سرزمین پنهاور را به گذشته‌های نزدیک، در زمان حال، پیوند می‌دهد و توانسته، همه‌ی مردم، اقوام، جوامع را با آن همه تشتت آراء، تفاوت‌های اقلیمی، فرهنگی، گویشی در کنار هم نگه دارد، آنها پارسی را عامل اتحاد خود و به عنوان زبان میانجی (lingua Franca) پذیرفته‌اند.

(به دور از هر گونه تعصب و غرض) وقتی زبان فارسی را می‌نگری می‌بینی که ادبیات و شعرش از چه جایگاه رفیعی برخوردار است، که گویا هرچه خوبان گفته‌اند، همه به فارسی نگاشته شد یا تمامی خوبی‌ها را به فارسی نگاشتند.

زبان فارسی محمل انتقال همه‌ی هستی هویتی، زبانی، مذهبی، سنتی و ملیتی، ملتی بزرگ به نام ملت ایران است و طبیعی است که این زبان سند مشاع مردمانی بسیار متفاوت در مالکیت بر یک منطقه‌ی بزرگ و وسیع جغرافیایی بوده است.

پارسی و شاعرانش همواره در خدمت به رستگاری خلق و بشریت بوده درحالی که کژی، پستی، پلیدی و پلشتی را به سختی نکوهش و مذمت می‌کند تنها راه نجات را خرد و خردورزی و فرزاندگی را تنها راه سعادت آدمی می‌شمارد شعر و کلامش و ادبیاتش یک کلام بیش نیست که «ره یکی است و آن ره راستی است». و این است راز ماندگاری و جاودانگی زبان پارسی.¹³

منابع:

West- Ostlicher Divan(von Gothe). –

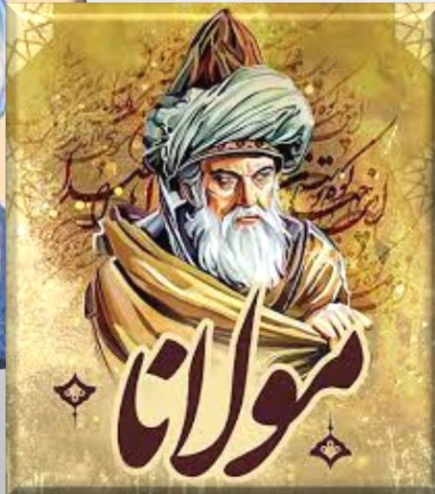
– WWW. Wikipedia. Org.

– WWW. Dastaneer Fani. Myfablog. IR.

– سرچشمه‌های فردوسی‌شناسی – تألیف محمدامین ریاحی.

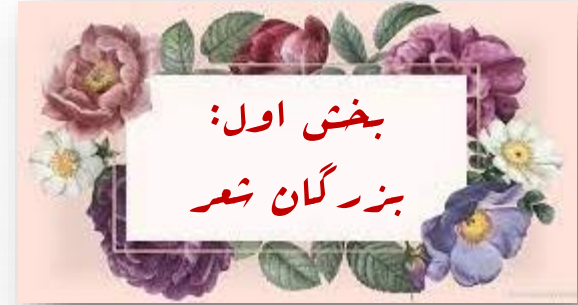
– مثنوی معنوی.

– جاذبه‌های فکری فردوسی – تألیف دکتر احمد رنجبری.





Duane Ackerson



Duane Ackerson (October 17, 1942 – April 19, 2020) was an American writer of speculative poetry and fiction.

He taught at the University of Oregon, then headed the creative program at Idaho State University. He lived in Salem, Oregon, where he died on April 19, 2020.

Duane Ackerson's work has appeared in anthologies that include *The Year's Best SF 1974*, *100 Great Science Fiction Short Short Stories*, *Future Pastimes*, and the textbook *Writing Poetry*. He has won the Rhysling Award for Best Short Poem twice, in 1978 and 1979.

Ackerson's poems are translated into Russian by Dmitry Kuzmin.



ԿՈԼԻԱ ՏԷՐ ՅՈՎՀԱՆՆԻՍԵԱՆ

Ծնւել է 1945 թ. Թաւրի- գում: Սովորել է տեղի «Հայ- կազեան-Թամարեան» հայոց ազգային դպրոցում, եւ աւարտել միջնակարգի մաթեմատիկայի ճիւղը: Զինուորական ծառայութիւնը Ատրպատականում կատա- րելուց յետոյ, տեղափոխ- ւում է Թեհրան. ուր հեռա- կայ կարգով մասնագիտա- ԿՈԼԻԱ ՏԷՐ ՅՈՎՀԱՆՆԻՍԵԱՆ նում է տնտեսագիտութեան մէջ՝ ԱՄՆ-ի Շիկագոյի «Լասէլ» համալսարանից: Սկսել է գրել պատանի տարիքից: Նրա առաջին գրածքները լոյս են տեսել «Լուսաբեր» մանկապատանեկան ամսագրում: Երկար տարիներ աշխատակցել է «Ալիք» օրաթերթին: Ներկայումս աշխատակցում է Հայրենիքի եւ Սփիւռքի մամուլին:

1973 թ. Բէյրութում լոյս տեսաւ իր «Մայթե՛ր, մայթե՛ր» բանաստեղծու- թիւնների ժողովածուն, որը շահել էր Հ.Բ.Ը.Մ. «Ալէք Մանուկեան գրական մրցանակի բանաստեղծութեան բաժնի» մրցանակը:

Ամուսնացել է եւ բախտաւորել երկու զաւակներով:

Ներկայումս պաշտօնավարում է միջազգային ընկերութեան Իրանի մասնաճիւղում, որպէս ֆինանսական բաժնի տնօրէն:

دیدگاه سیاسی



ایرج میرزا

ایرج میرزا (مهرماه ۱۲۵۳ در تبریز - ۲۲ اسفند ۱۳۰۴ خورشیدی در تهران) ملقب به «جلال الممالک» و «فخرالشعرا»، از جمله شاعران مشهور ایرانی در عصر مشروطیت (اواخر دوره قاجار و اوایل دوره پهلوی) [۵] و از پیشگامان تجدد در ادبیات فارسی بود. ایرج میرزا در قالب‌های گوناگون شعر سروده و ارزشمندترین اشعارش مضامین انتقادی، اجتماعی، احساسی و تربیتی دارند. شعر ایرج ساده و روان و گاهی دربرگیرنده واژه‌ها و گفتارهای عامیانه است و اشعار او از جمله اشعار اثرگذار بر شعر دوره مشروطیت بود.

ایرج به همراه محمدتقی بهار، بلندترین صدای شعر دوره مشروطه بود. او بر خلاف بهار که از زاویه میهن پرستی به مشروطه می‌نگریست، بیشتر از دیدگاه یک بورژوازی اشرافی، منتقد روابط اجتماعی بود. و ضمن آنکه توده مردم را فاقد شعور سیاسی و درک اجتماعی می‌دانست، دوری از خطر درافتادن با قدرتمندان و پیروی از مصلحت را برای دوستان تجویز می‌کرد. باوجود آنکه ایرج به شاهزادگی خود مباهات می‌کرد، ولی ابیاتی نیز در نقد و بدگویی درباره محمدعلی شاه و احمد شاه از وی باقی مانده است؛ بنابراین او فارغ از حب و بغض و تعصب بی‌جا، منش روشنفکری و آزاداندیشی را پیشه خود ساخته بود. تا جایی که در قیام کلنل محمدتقی‌خان پسیان، از مشاورین او به‌شمار می‌رفت. او محافظه‌کارانه، دخالت در سیاست را تا جایی تجویز می‌کرد که به منافع شخصی لطمه نخورد؛ ولی در عین حال عقاید وطن پرستانه‌ای نیز از خود بروز می‌داد.



© HISTOPEDIA

حکایتی از ایرج میرزا:

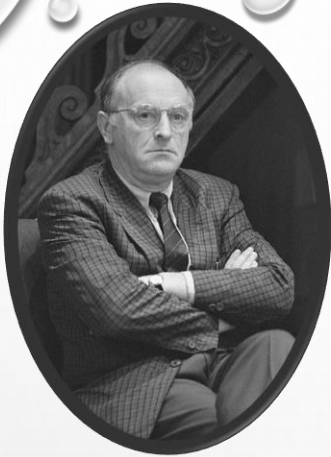
روحانیون نحوه رحلت پیامبر و روز وفات و محل دفن حضرت فاطمه را دقیق نمیدانند ولی مکالمه **اسب شمر با اسب حر** را به شکل دقیقی حفظ هستند! و یا گفتگوی حضرت علی در تنهایی با خدای خویش در چاه را **مو به مو تعریف می کنند!** همین امشب ملائی در شیراز مکالمه **بین ابراهیم و اسماعیل و گوسفندی** را نکته به نکته برای مردم تعریف میکرد! راستش این روزها مرتب از خودم میپرسم که اینها ما را الاغ فرض کرده اند یا اینکه ما واقعا الاغیم یا شاید هم هر دوتای آنها...!

ایرج اسکندری که فضای آن زمان را به چشم دیده بود. بعدها در خاطرات خویش توضیح داد ترانه های عارف این شاعر ملی و آزادیخواه ایرانی، تأثیری شگرف در شنوندگان داشت و آنها را به نفع جمهوری به حرکت درمی آورد.

رعایا جملگی بیچارگان اند
که از فقر و فنا آوارگان اند

تمام از جنس گاو و گوسفندند
نه آزادی نه قانون می پسندند

برای همچو ملت همچو مردم
نباید کرد عقل خویش را گم



Бродский, Иосиф Александрович

Ио́сиф Алекса́ндрович Бро́дский (24 мая 1940, Ленинград, СССР — 28 января 1996, Нью-Йорк, США) — русский и американский поэт, эссеист, драматург, переводчик, педагог. Стихи писал преимущественно на русском языке, эссеистику — на английском. Лауреат Нобелевской премии по литературе 1987 года «за всеобъемлющее творчество, проникнутое ясностью мысли и поэтической интенсивностью». Почётный гражданин Санкт-Петербурга (1995)

«انسان‌شدن؛ از تکامل اتفاقی تا تحول انتخابی» کتابی از گرگ بریدن

انسان‌شدن؛ از تکامل اتفاقی تا تحول انتخابی نوشته گرگ بریدن با ترجمه محمدفؤاد حائری از سوی انتشارات نیستان منتشر شد.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، در پاسخ ادیان به پرسش «ما که هستیم؟» به‌طور تاریخی از وجود نیروی اسرارآمیزی به‌نام خدا روایت می‌شود که انسان را از خاک آفرید، در وجودش از روح خود دمید و این‌گونه آدم، اولین انسان روی زمین شد.

نظریه تکامل داروین، نخستین تلاش علم بود در پاسخ به پرسش تاریخی «ما که هستیم؟» بدون نیاز به دین، نظریه‌ای که هویت انسان را به رقابت و نزاع میان گونه‌ها بر اساس انتخاب طبیعی پیوند می‌زد و وجود او را حاصل اصلاح نژاد از طریق بقای قوی‌ترین می‌دانست.

گرگ بریدن، نویسنده کتاب پیش‌رو، کنار اعتقادات آفرینش‌گرایانه اندیشمندان خداپرست و تفکرات اصول‌گرایانه تکامل‌اندیشان علم‌پرست، طریق سومی را پیشنهاد می‌کند که تکیه بر شواهد علمی جدید و برداشت‌های نوگرایانه از هویت انسان دارد. کشفیات جدید در حوزه زیست‌شناسی مولکولی و ژنوم انسان، پرده از واقعیاتی برمی‌دارند که رودرروی رسوم دانش کهن ایستاده و باورهای سنتی در مورد پیدایش بشر روی زمین¹⁹ را به چالش می‌کشند.



گرگ بریدن. ترجمه محمدفؤاد حائری

نویسنده در بخشی از کتاب، تلاش ما در چنگ انداختن بر روایات کهنه را به روند به‌روزرسانی یک نرم‌افزار کامپیوتری تشبیه می‌کند. ما هر قدر هم که تلاش کنیم تا نسخه‌های به‌روزرسانی‌شده یک نرم‌افزار را به‌روی کامپیوتر خود نصب کنیم، زمانی فرا خواهد رسید که آن کامپیوتر، دیگر گنجایش نسخه‌های بسیار پیشرفته آن نرم‌افزار را نخواهد داشت، در آن «نقطه بی‌بازگشت» است که چاره‌ای باقی نمی‌ماند جز استفاده از یک کامپیوتر جدید با قدرت و ظرفیتی درخور نسخه‌های پیشرفته نرم‌افزار. ما با آنکه بسیار تلاش کرده‌ایم تا نیازهای بشر در طول تاریخ را به‌زور در قالب‌های ازپیش تثبیت‌شده ایدئولوژی‌های دینی جا کنیم، اما گویا به جایی رسیده‌ایم که دیگر آن سیستم‌ها توانایی و ظرفیت پاسخ‌گویی به نیازهای امروز بشر را ندارند؛ مگر آنکه بخواهیم نسخه‌هایی را در جهت منافع شخصی و حزبی خود از دل آن‌ها بیرون بکشیم.

بیشتر بخوانید

شجاعی خبر داد: راه‌اندازی آکادمی داستان‌نویسی در انتشارات نیستان / ثبت‌نام از هفته آینده

هدف این کتاب این است؛ (۱) در بخش اول اکتشافات جدید در مورد خاستگاهمان را معرفی کند و (۲) در بخش دوم نشان دهد چگونه این یافته‌ها را در زندگی روزمره به‌کار ببریم.

این کتاب، کاملاً تحقیق‌شده و مستند است. این کتاب به‌زبان دوستانه داستان‌های زندگی واقعی، اکتشافات علمی و تجربیات شخصی را کنار هم می‌گذارد تا دیدگاه نیروبخشی از خودمان در این دنیا ارائه دهد. این کتاب نمونه‌ای است تا نشان دهد وقتی از مرزهای سنتی بین علم و معنویت عبور می‌کنیم، چه نتایجی حاصل می‌شود. با امتزاج پیشرفته‌ترین اکتشافات زیست‌شناسی، ژنتیک و علوم زمین‌شناسی با خرد باستانی، ما به یک چارچوب نیرومندی برای درک امکان‌های موجود در زندگی می‌رسیم.

انسان‌شدن؛ از تکامل اتفاقی تا تحول انتخابی نوشته گریگ بریدن با ترجمه محمدفؤاد حائری در ۲۵۰ صفحه رقعی و با بهای پشت‌جلد ۲۷۰ هزار تومان از سوی نشر نیستان هنر منتشر و وارد بازار کتاب شد.

انتهای پیام/+

آثار. آیسخلویس نزدیک به نود تراژدی و نمایشنامه ساتیریک نوشته، لکن تنها هفت تراژدی وی در دست است.

" زنان ندبه سرا" (حدود ۴۹۰ ق.م). احتمالاً کهن ترین نمایشنامه ی موجود ، و شاید نخستین بخش از یک تترالوژی { اثر چهار بخشی - چهارگانه } باشد که سه قسمت دیگر آن از بین رفته است. پیام اخلاقی این نمایشنامه مبهم است؛ در آن سخن از احترام به حق پناهندگی است، حتی اگر به قیمت جنگ باشد. پنجاه دختر دانائوس از مصر به آرگوس می گریزند. پلاسگوس ، شاه آن کشور با اعطای پناهندگی به آنها موافقت میکند، هر چند ممکن است این اقدام انگیزه مصر برای شروع جنگ شود. بدین ترتیب ، این نمایشنامه نسبت به دو تراژدی دیگر این اثر چهاربخشی از حد یک پیش درآمد فراتر می رود .

زنان ندبه سرا از نظر قالب مرحله تحولی است میان ترانه های غنائی دیتورامب و تراژدی واقعی .



منبع: تاریخ ادبیات جهان

امپراتوری نوبنیاد تیگران نیز همان ویژگی های
امپراتوری های سلوکیان، اسکندر
مقدونی، هخامنشیان، بابل، ماد و آشور را
داشت. کلیه ی این امپراتوری ها و از آنجمله
امپراتوری تیگران دوم در واقع اتحادی از شهر -
کشورهای جنگی بودند که هیچگونه روابط استوار و
بنیادی اقتصادی و اتنیک با هم نداشتند. بر اساس
نوشته های پلوتارک لشکریان تیگران را علاوه بر
ارمنیان، مادی ها، آترپاتکانی ها، عرب ها، گرجی ها،
آقوان ها، و دیگر ملت ها تشکیل می دادند.

سرانجام سردار رومی پمپئوس ، پس از آنکه مهرداد
شاه پارت را شکست داد و سرزمین های تحت
اشغال تیگران را یک به یک تسخیر کرد، آماده ی
جنگ با تیگران شد. در اینجا مسئله استقلال و یا
انقیاد ارمنستان در بین بود. تیگران که در این زمان
پیرمردی ۷۵ ساله بود، راه حل نظامی را مناسب
ندانست و شخصا ، بدون سلاح و همراه ، در اردوگاه
پمپئوس حاضر شد و تاج شاهی را پیش پاهای
پمپئوس نهاد.



منبع: صد سال شعر ارمنی

توضیح برخی از صنایع ادبی:

الف) بدیع:

چند لف و نشر هنرمندانه دارد:

مباش و باش ز بیم و امید با تن و جان
مجوی و جوی ز حرص و قنوع در دل و سر

که لف و نشر سه گانه (مرتب و مشوش) است:
مباش-بیم-تن/باش-انید-جان/مجوی-قنوع-سر/جوی-
حرص-دل.

تن از درنگ هراس و دل از شتاب امید
به بطوء و سرعت، کیوان همی نمود و قمر

که لف و نشر چهارگانه است:
تن-درنگ-هراس-بطوء-کیوان/دل-شتاب-امید-
سرعت-قمر.

در مصراع "دل از هوا رنجور و تن از بلا مضطر" هوا ایهام
دارد به هوی و هوا.

در چند مورد از عالی ترین و پیچیده ترین نوع ایهام که
استخدام باشد استفاده کرده است:

رهی چو تیغ کشیده، کشیده و تابان

اثر ز سم ستوران بر او به جای گهر



منبع: سبک شناسی شعر

در یک ژانویه ۱۸۸۶ میلادی، گارگین نژده (ترهاروطونیان) - یکی از برجسته ترین فرزندان ملت ارمنی در نخجوان به دنیا آمد.

این قهرمان ملی ارمنی، شخصیت برجسته سیاسی و نظامی است که برای تاسیس ارمنستان و حفظ تمامیت ارضی آن جنگیده است.

در سال ۱۹۰۴، گارگین نژده به صفوف فدراسیون انقلابی ارمنی (داشناکسوتیون) پیوست و به مبارزه علیه اشغالگران ترک ملحق شد. در آن زمان نام مستعار "نژده" را که از زبان ارمنی به معنی "سرگردان"، "سرگردان ابدی" ترجمه میشود، برای خود برگزید.

نژده در ایجاد نیروهای مسلح جمهوری اول ارمنستان (۱۹۱۸-۱۹۲۰) مشارکت فعال داشت. او در نبردهای دفاع از قره کلیسا (وانادزور کنونی) شرکت کرد و حمله نیروهای برتر ترکیه را متوقف کرد. در این نبرد او مجروح شد. بعداً به او نشان شجاعت اعطا شد و در سال ۱۹۱۹ درجه کاپیتان را کسب نمود. پس از آن دولت ارمنستان او را به زنجزور (سیونیک) فرستاد و در آنجا او در برابر سپاهیان ترک و تاتار به شدت مقاومت کرد.



Գարեգին Նժդեհ



Զահրատ «Մարկոս և Մարկոս»

Մարկոս և Մարկոս
 Ելան գացին ծով
 ու փարոսին քով
 Մարկոս ու Մարկոս
 ոտք կը լուային
 – Տես Մարկոս ըսավ
 Մարկոս Մարկոսին
 – Աստղ մը ինկավ վար –
 Մարկոս ծոեցավ
 ծովուն մեջ – չկար –
 Սուտ ըսիր – ըսավ
 Մարկոս Մարկոսին
 Իրենց ոտքերը
 Երբ որ չորցուցին
 Փոքրիկ աստղ մը կար
 Մարկոսի ոտքին



Խերարդո Դիեգո «Դու ինձ սովորեցնում ես սիրել»

Դու ինձ սովորեցնում ես սիրել:
 Զգիտեի:
 Միրել չի նշանակում խնդրել, այլ՝ տալ
 Գիշեր-ցերեկ:
 Գիշերը սիրում է Օրվան, Լույսը՝
 Մթությանը:
 Ինչպիսի կատարյալ և տարօրինակ սեր:
 Դու՛, ի՛մ ճակատագիր:
 Օրը բարձրանում, համբուրում է Գիշերվան
 Միայն մեկ ակնթարթ:
 Գիշերը՝ Օրվան, Լուսաբացին, խոստումը՝
 Միրահարի համբույրին:
 Դու ինձ սովորեցնում ես սիրել:
 Զգիտեի:

The Second Coming
by William Butler Yeats

Turning and turning in the widening gyre
The falcon cannot hear the falconer;
Things fall apart; the centre cannot hold;
Mere anarchy is loosed upon the world,
The blood-dimmed tide is loosed, and everywhere
The ceremony of innocence is drowned;
The best lack all conviction, while the worst
Are full of passionate intensity.

The Waste Land
by T.S. Eliot

April is the cruellest month, breeding
Lilacs out of the dead land, mixing
Memory and desire, stirring
Dull roots with spring rain.
Winter kept us warm, covering
Earth in forgetful snow, feeding
A little life with dried tubers.

Николай Агнивцев
Зюлейка

У Зюлейки–ханум
Губы, как рахат–лукум,
Щеки, как персики из Азарбината,
Глаза, как сливы из ханского сада.

Азербайджанской дороги длинней
Зюлейкины черные косы,
А под рубашкой у ней
Спрятаны два абрикоса.

И вся она, вва!
Как халва!
Честное слово!

Только любит она не меня,
А – другого!

Николай Агнивцев
Леда и Леди

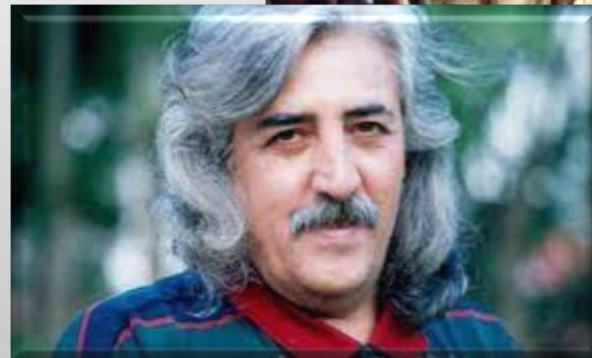
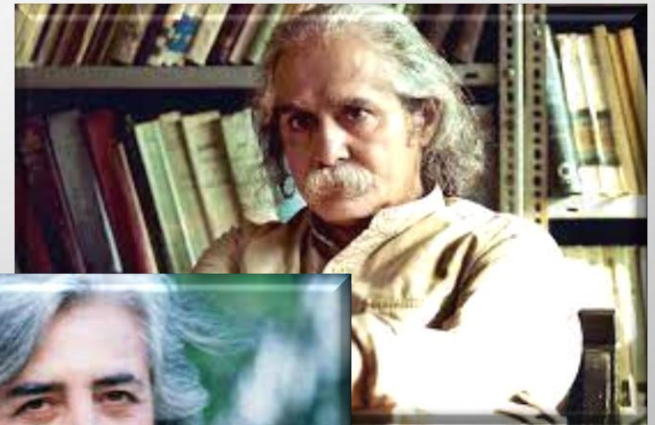
Между статуй прямо к Леде
Шла по парку гордо Леди,
А за нею чинно следом
Шел лакей с шотландским пледом

И сказала строго Леди,
Подойдя вплотную к Леде: –
«Шокинг!» – и за этим вслед
Завернула Леду в плед.

О, заботливая Леди,
Плед совсем не нужен Леде!
Уверяю вас: для Лед
Нужен Лебедь, а не плед!

قاصدک هان، چه خبر آوردی؟
از کجا وز که خبر آوردی؟
خوش خبر باشی، اما، اما
گرد بام و در من بی ثمر می گردی
انتظار خبری نیست مرا
نه ز یاری نه ز دیار و دیاری باری
برو آنجا که بود چشمی و گوشی با کس
برو آنجا که تو را منتظرند

اخوان ثالث



دریای شور انگیز چشمانت چه زیباست
آنجا که باید دل به دریا زد همین جاست
در من طلوع آبی آن چشم روشن
یاد آور صبح خیال انگیز دریاست
گل کرده باغی از ستاره در نگاهت
آن یک چراغانی که در چشم تو برپاست
بیهوده می کوشی که راز عاشقی را
از من بپوشانی که در چشم تو پیداست
ما هر دوان خاموش خاموشیم اما
چشمان ما را در خموشی گفتگوهاست
دیروزمان را با غروری پوچ گشتیم
امروز هم زانسان ولی آینده ماراست
دور از نوازش های دست مهربانت
دستان من در انزوای خویش تنهاست
بگذار دستت راز دستم را بداند
بی هیچ پروایی که دست عشق با ماست

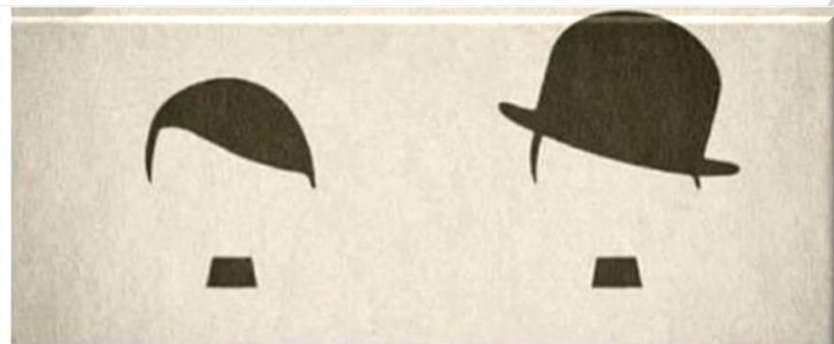
حسین منزوی



فقط نگو که کتاب خوانده ای
اگر می توانی نشان بده که چگونه
با خواندن آنها
انسان فهیم، آگاه تر و عمیق تری شده ای.



ایگناتوس



چارلی چاپلین و هیتلر، هر دو در
یک سال و یک ماه، تنها با چهار
روز اختلاف به دنیا آمده بودند!
یکی جهان را به خنده انداخت و
دیگری به گریه...

مراقب تاثیری که روی جهان
می گذارید باشید!

اما گروه شغالان نیز او را به جمع خود راه ندادند و روی خود را از او برگرداندند. شغالی نرم خوی و جهان دیده، نزد شغال خودخواه و فریبکار آمد و گفت: اگر به آنچه بودی و داشتی، قناعت می کردی، نه منقار طاوسان بر بدنت فرو می آمد و نه نفرت همجنسان خود را بر می انگیختی.

آن باش که هستی و خویشتن را بهتر و زیباتر و مطبوع تر از آن چه هستی، نشان مده که به اندازه بود، باید نمود.



آن باش که هستی

گویند شغالی، چند پر طاوس بر خود بست و سرو روی خویش را آراست و به میان طاوسان درآمد. طاوس ها او را شناختند و با منقار خود بر او زخم ها زدند. شغال از میان آنان گریخت و به جمع همجنسان خود بازگشت؛

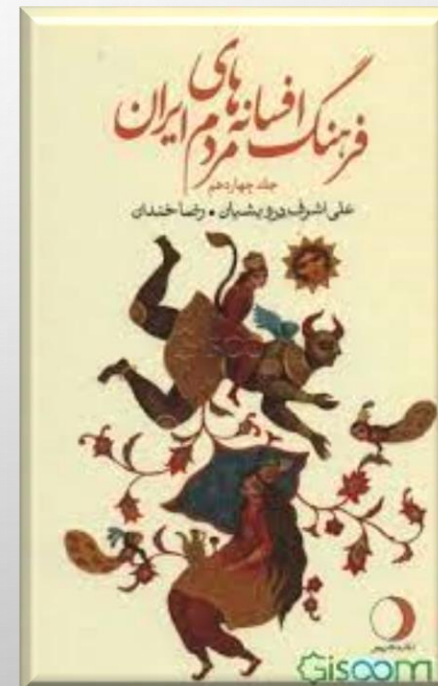
محققان و گردآوران قصه های عامیانه:

حسین کوهی کرمانی: از نخستین کسانی است که در این رشته فعالیت کرد. وی چهارده افسانه از افسانه های شیرین و دل پسند روستایی را، که از ده نشینان و شبانان حدود کرمان و کاشان و اصفهان شنیده و در مجموعه ای گردآورده بود، در اسفند ۱۳۱۴ چاپ کرد.

کوهی از کودکی عشق و علاقه ی بسیاری به ادبیات و افسانه های روستایی داشت و آن ها را از هر کس که می شنید، لفظ به لفظ در جنگی یادداشت می کرد، تا آن که در سال ۱۳۱۳ش علی اصغر حکمت، وزیر فرهنگ، او را از کلاس درس برای گردآوری ادبیات ملی و روستائی روانه کوه و بیابان کرد. کوهی در تابستان آن سال به کاشان و نطنز و ایبانه و اصفهان و اطراف اصفهان سفر کرد و انبوهی دوبیتی و افسانه و مثل و غیره را گردآوری کرد. نتیجه این سفر، همان کتاب چهارده افسانه از افسانه های روستایی ایران بود که در سال ۱۳۱۴ش در تهران انتشار یافت.



منبع: فرهنگ عامه



موسیقی دانان بزرگ ایرانی در گذشته

از بهترین نوازندگان سه تار بود، محمود مفاخرالممالک نیز که قبلا در تارشاگرد میرزا حسین قلی بود از برجسته ترین نوازندگان دوره خود به شمار می رفت. شیوه تعلیم این دو استاد به روش قدما سینه به سینه و شفاهی بود. مرتضی خان محجوبی نزد مفاخر الممالک شیوه های خاص نوازندگی پیانو به مقتضیات موسیقی ایرانی را آموخت.

در سال ۱۳۱۹ هنگام تاسیس رادیو ایران به این سازمان وارد شد، تا آخر عمر در آنجا زندگی می کرد و به همراه قمرالملوک وزیری، روح انگیز، تحسین خان معروف و دیگران پیانو می نواخت.

نقل از استاد قاسم علی دماوند



مرتضی خان محجوبی (بخش سوم)

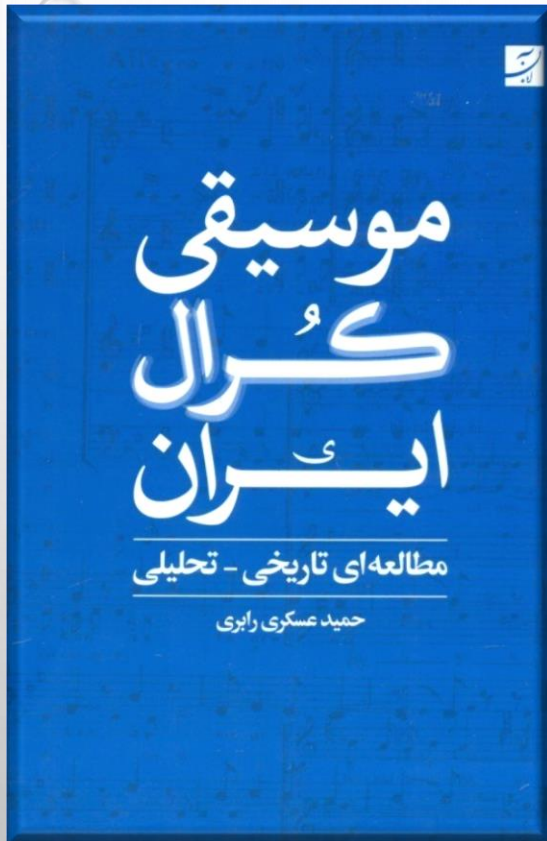


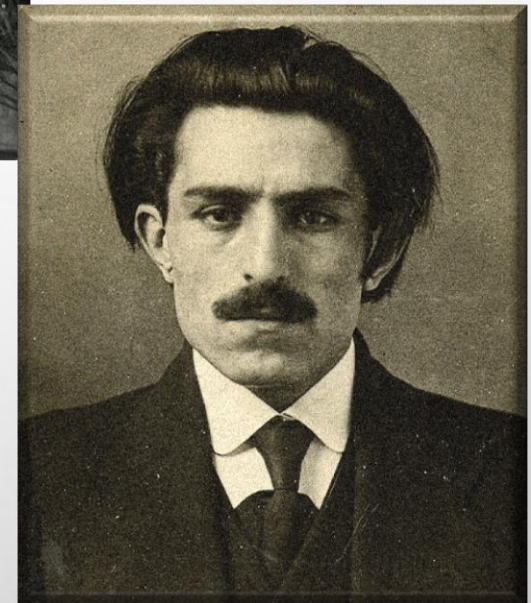
پیدایش موسیقی کرال، به عنوان یکی از گونه های موسیقی کلاسیک در ایران، با نام و کارنامه ی هنری موسیقی دانان ارمنی، به ویژه روبن گریگوریان ، پیوند محکمی دارد. وی فرزند لئون گریگوریان (۱۳۳۶-۱۳۶۵) ، از پیشگامان آموزش موسیقی کلاسیک در ایران است که در سال ۱۲۹۶ شمسی گروه کر مدرسه خلیفه گری آرامنه تبریز را بنیان نهاد.

شایان ذکر است که هایک عجمیان در کتاب هوشابساک: زندگی و آثار لئون گریگوریان: موسیقی شناس ، معلم و رهبر گروه کر اشاره کرده است که لئون گریگوریان شاگرد موسیقی دان ارمنی، آرداشس در هوانسیان، پایه گذار گروه کر در شهر تبریز بوده است.

در این منبع به زمان تاسیس گروه کر اشاره نشده است، ولی به عکسی از این گروه ارجاع داده شده که در سال ۱۲۸۰ش/۱۹۰۲م تهیه شده است.

بنابراین احتمال دارد که آرداشس در هوانسیان نخستین موسیقی دان ارمنی می باشد که در ایران گروه کر بنیاد نهاده است.





1920 թվականի հունվարի 7-ին հեռավոր, ցրտաշունչ Օրենբուրգում աչքերն ընդմիշտ փակեց մեր մեծագույն հանճարը՝ Վահան Տերյանը: Նրա կյանքի երկրային ուղին մի պայքարի ճանապարհ էր՝ հանուն մարդկայնության, հանուն հայկականության, հանուն մաքրամաքուր պոեզիայի: Արդեն մի դար է անցել Տերյանի մահից, բայց նա շարունակում է փարոսի նման լուսավորել սերունդների ճանապարհը:



۲. جرم و ضایعات دندان

هرچند به ظاهر، خود جرم نباید بویی داشته باشد، ولی این رسوبات، محل مناسبی برای لانه‌گزینی و پرورش میکروب‌ها و تکثیر آنها می‌باشند و بدین ترتیب، عامل عمده‌ای در جهت ایجاد بدبویی دهان محسوب می‌شوند.

در مراحل پیشرفته‌تر، جرم سبب از بین رفتن استخوان اطراف دندان می‌شود و در نتیجه، بین دندان و لثه حفره‌ای ایجاد می‌شود که در آن، علاوه بر بافت‌های عفونی، مواد غذایی نیز فاسد می‌شوند و بوی بد دهان تشدید می‌گردد. بنابراین، راه پیشگیری از بوی بد دهان، عبارت است از: پاک کردن دهان و دندان‌ها از هرگونه جرم

علل داخلی بوی نامطبوع دهان

۱. عدم رعایت بهداشت دهان

مسواک نزدن و عدم رعایت بهداشت، اصلی‌ترین علت ایجاد بوی دهان است. خرده‌های غذا در بین دندانها، فاسد و بدبو می‌شوند. بنابراین، در بسیاری از موارد، مسواک زدن و استفاده از نخ دندان، ممکن است باعث از بین رفتن بوی بد دهان شود.

"If men were born free, they would, so long as they remained free, form no conception of good and evil"

Baruch Spinoza

80% успеха – это
появиться в нужном
месте в нужное время.

Երբ կհոգնես, կըզագագես աշխարհից՝
Դարձիր իմ մոտ, վերադարձիր դու նորից.—
Ցաված սիրտըս միայն քեզնով է շնչել
Չի կամենալ նա վերըստին քեզ տանջել:

Վահան Տերյանը

پس هستی من ز هستی اوست
تا هستم و هست دارمش دوست
ایرج میرزا



بخش سوم مصائبه با : دکتر عباس اقبال مهران



شاعران دیگری هم هستند؛ مثل آقای قزوه. اما باز هم ایشان جزء آن دسته از شاعرانی هستند که معیارهای یک شاعر انقلاب اسلامی را در همه شعرهایشان ندارند یا دست کم نمونه موفقی را ارائه نکرده‌اند و نمی‌توانم ایشان را جزء گروهی قرار دهم که قیصر و سیدحسن حسینی و محمدکاظم کاظمی در آن حضور دارند.

البته باید بیشتر فکر و بحث کرد و من الآن فقط ذهنیتی کلی از شعرهای قیصر دارم؛ اما قیصر را یک شاعر انقلابی می‌دانم. همچنین شعرهای محمدکاظم کاظمی را هم می‌پسندم؛ البته نه تمام اشعارش را. او هم شاعری است که پس از انقلاب مطرح شده و از ادبیات انقلاب اسلامی تأثیر گرفته، هرچند خودش اصالتاً ایرانی نیست. گرچه در این خصوص هم اگر به گذشته برگردیم و به پیوند ایران و افغانستان توجه کنیم، می‌توانیم او را ایرانی ببینیم. چون مرزها مرزهای دقیق و واضحی نیست که بتوانیم این‌جا جواب خیلی روشنی بدهیم.

وضعیت شعر جوان کشور به نظر شما چگونه است؟

بررسی وضعیت شعر جوان کشور برای کسی مثل من که فقط به جهان اطراف خودش، آن هم تا حدی، مسلط است و از روستاهای دورافتاده‌ای که جوان‌های شاعر و با استعدادی دارد و کسی نیست که شعرهای نازنین آن‌ها را به گوش مخاطب آن برساند، سخت است و نمی‌توانم با این تسلط کم یک حکم کلی درباره شعر جوان بدهم. چون واقعاً خیلی از جوان‌ها دیده و شناخته نمی‌شوند. به نظر من آن‌چه که باید قبل از شعر جوان بررسی کنیم، نحوه برخورد با شاعران جوان است و بعد از پرداختن به این مهم، می‌توانیم به شعر جوان پردازیم و وضعیت شعر آن‌ها را بررسی کنیم.³⁸

متأسفانه شاعران جوان هنوز بعد از این‌همه‌سال تریبونی پیدا نکرده‌اند که بتوانند خودشان را سالم معرفی کنند و لازم نباشد برای معرفی کردن خودشان از شخصیتشان تنزل پیدا کنند و تبدیل به آدم‌هایی شوند که خودشان نمی‌پسندند؛ درحالی‌که امروزه کسانی هستند که می‌توانند و باید شعر جوان امروز را معرفی کنند. تا وقتی که هنوز این تریبون ایجاد نشده و آدم‌ها هنوز جایگاه خودشان را پیدا نکرده‌اند، بعضی‌ها از حالا چهره هستند و تا آخر چهره می‌مانند. به عنوان مثال، افرادی مثل فاضل نظری در آغاز تجربه موفق داشتند، اما این تجربه موفق در کتاب‌های بعدی ایشان تکرار نشد. متأسفانه ما هنوز اصرار داریم همان دید قبلی را در رابطه با آن‌ها حفظ کنیم. ایشان درست نمونه آدمی‌ست که خودش را دوست داریم و فکر می‌کنیم که شعرش هم لزوماً باید همان معیارها را داشته باشد.

خوبی آن فرد را به پای خوبی شعرش می‌گذاریم و حاضر نیستیم شعر کسانی که مشهور شده‌اند، نقد شود و همیشه یک‌سری آدم‌های ممتاز از این جهت متمایز شده‌اند، نه از این جهت که شعرشان برجسته و ممتاز است. نمی‌شود درباره شعر جوان صحبت کرد؛ چون هنوز شاعر جوانی نتوانسته پا به عرصه بگذارد که بخواهیم درباره شعرش صحبت کنیم.

اما اگر به همین پیرامون محدود خودم مراجعه کنم، نمونه‌های خوبی را در شعر شاعرهای جوانی که سراغ دارم دیده‌ام. همان‌طور که من مشق می‌کنم، آن‌ها هم مشق می‌کنند.



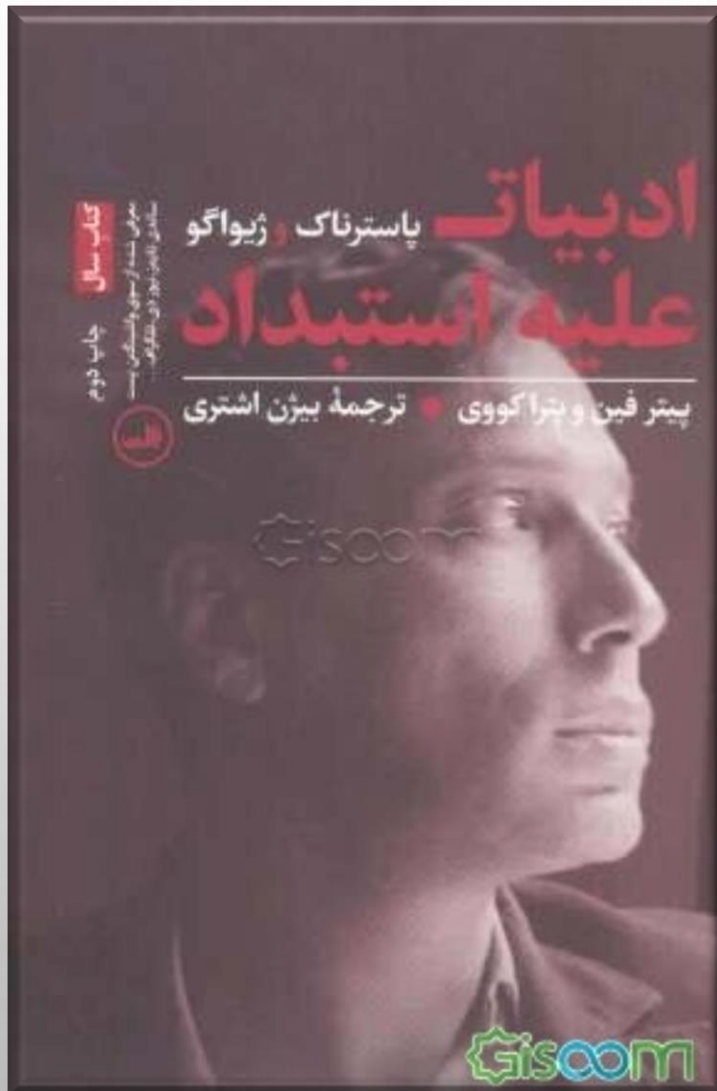
دکتر عباس اقبال مهران



@history2026

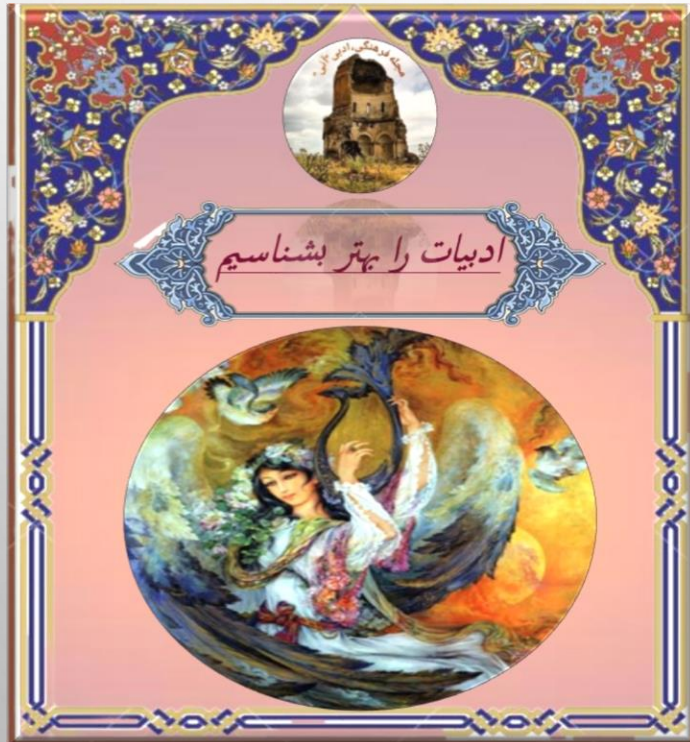
معرفی کتاب ادبیات علیه استبداد اثر پترا کووی
ماجرای ژيوآگو داستانی دراماتیک است که هرگز پیش از
این گفته نشده است - این کتاب که از روی پرونده های
محرمانه نوشته شده است نشان می دهد که چگونه یک
کتاب ممنوع به یک سلاح مخفی CIA در نبرد
ایدئولوژیک بین شرق و غرب تبدیل شده است.

در ماه مه ۱۹۵۶ ، یک پیشاهنگ انتشارات ایتالیایی برای
دیدار با بزرگترین شاعر زنده روسیه ، بوریس پاسترناک ،
به روستایی در خارج از مسکو رفت. وی با در دست
داشتن نسخه ی خطی تنها رمان پاسترناک ، که توسط
مقامات شوروی سرکوب شده بود ، رفت. از آنجا بود که
زندگی این کتاب خارق العاده وارد حوزه ی رمان
جاسوسی شد. سیا نسخه روسی زبان دکتر ژيوآگو را
منتشر و به صورت قاچاق وارد اتحاد جماهیر شوروی کرد.
نسخه ها را در مسکو و لنینگراد بلعیدند ، در بازار سیاه
فروختند و از یک دوست به دوست دیگر منتقل کردند.
در مراسم خاکسپاری پاسترناک در سال ۱۹۶۰ هزاران نفر
شرکت کردند که برای خداحافظی از دولت خود سرپیچی
کردند و این مثال او ، سنت بزرگ نویسنده مخالف
شوروی را راه اندازی کرد.



در کتاب ادبیات علیه استبداد پیترا فین و پترا کووی برای بدست آوردن پرونده های CIA که دخالت آژانس را اثبات می کنند، ما را به دوران عجیب و قابل توجه جنگ سرد برمی گردانند ، دورانی که ادبیات قدرت تحریک جهان را داشت.

کتاب ادبیات علیه استبداد توسط بیژن اشتری ترجمه شده است. این کتاب را نشر ثالث منتشر کرده است.



مجله ادبی آنی را هر چهارشنبه در سایت رسمی و کانال تلگرامی دنبال کنید.